

# جامعه‌شناسی تاریخی ایران

## شکل‌گیری نظام ارباب غایب

(ویراست سوم)

تألیف

دکتر حمید عبداللهیان

استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران



شماره مسلسل ۱۲۲۰۰

شماره انتشار ۴۴۸۲

### انتشارات دانشگاه تهران

سرشناسه	: عبداللهیان، حمید، ۱۳۳۶ - Abdollahyan, Hamid
عنوان و نام پدیدآور	: جامعه‌شناسی تاریخی ایران: شکل‌گیری نظام ارباب غایب/ تألیف حمید عبداللهیان.
وضعیت ویراست	: ویراست ۳.
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	: ۵۰۰ ص.
فروست	: انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۴۴۸۲.
شابک (چاپی)	: 978-964-03-7807-6
شابک (الکترونیکی)	: 978-964-03-7808-3
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: چاپ سوم.
یادداشت	: واژه‌نامه.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۴۳۱ - ۴۶۳.
موضوع	: شناخت‌شناسی اجتماعی - ایران
موضوع	: Social Epistemology - Iran
موضوع	: جامعه‌شناسی تاریخی
موضوع	: Historical Sociology
شناسه افزوده	: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات. University of Tehran. Press
رده‌بندی کنگره	: BD۱۷۵ ۱۴۰۴
رده‌بندی دیویی	: ۱۲۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۹۴۳۱۴۶

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود و تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.



عنوان: جامعه‌شناسی تاریخی ایران: شکل‌گیری نظام ارباب غایب  
 مؤلف: دکتر حمید عبداللهیان  
 نوبت چاپ: سوم (ویراست سوم)  
 تاریخ انتشار: ۱۴۰۴  
 شمارگان: ۱۰۰ نسخه  
 ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران  
 چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است»

بها: ۵,۱۰۰,۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرش مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: [press@ut.ac.ir](mailto:press@ut.ac.ir) - تارنما: <http://press.ut.ac.ir>

پخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲

به یاد محمد، فرزند از دست رفته ام



## فهرست مطالب

سخن نخست.....	ز.....
قدردانی.....	ظ.....
مقدمه.....	ق.....
<b>فصل اول - تغییر موضع معرفت‌شناختی در جامعه‌شناسی تاریخی جدید.....</b>	
مقدمه.....	۱.....
۱.۱ تولید دانش و داده‌های اجتماعی، تاریخی.....	۲.....
۲.۱ عقلانیت و مناقشه‌های میان‌رشته‌ای.....	۷.....
۳.۱ تاریخ‌نگاری جامعه‌شناسی تاریخی.....	۱۳.....
۴.۱ تفاوت تاریخ اجتماعی-سیاسی در ایران و اروپا و اثر آن بر تاریخ‌نگاری.....	۳۲.....
نکات و نتایج: چگونگی بازیابی جایگاه جامعه‌شناسی تاریخی.....	۳۳.....
<b>فصل دوم - نقد تاریخ‌نگاری و تفسیر جامعه ایران در آثار کاتوزیان.....</b>	
۱.۲ ارزیابی و استخراج احکام شش‌گانه درباره تاریخ ایران.....	۴۰.....
۲.۲ نقد پیش‌فرض‌های چهارده‌گانه و احکام شش‌گانه کاتوزیان.....	۴۱.....
۳.۲ مقایسه آرای کاتوزیان و رویکرد ارباب‌غایب، در سطح روایی.....	۵۲.....
۴.۲ مقایسه آرای کاتوزیان با رویکرد ارباب‌غایب، در سطح معرفتی.....	۶۳.....
۵.۲ معرفت‌شناسی و مسئله علم و ضدعلم در ایران.....	۷۱.....
۶.۲ نتیجه‌گیری.....	۷۳.....
<b>فصل سوم - مطالعه موردی ایران: چارچوب نظری و روش‌شناختی.....</b>	
۱.۳ دهقانان ایران: ویژگی‌های تاریخی ساختارهای کشاورزی پیشاسرمایه‌داری و مشکلات مفهومی ادبیات توسعه.....	۷۵.....
۱.۱.۳ مفهوم شیوه تولید آسیایی مارکس و کاربرد آن درباره ایران.....	۷۹.....

ح □ جامعه‌شناسی تاریخی ایران: شکل‌گیری نظام ارباب غایب

- ۱.۱.۱.۳ چرخش‌های معرفتی در آثار احمد اشرف ..... ۸۸
- ۲.۱.۳ رویکرد بین‌المللی شدن سرمایه ..... ۱۰۱
- ۳.۱.۳ رویکرد اقتصاد سیاسی هالیدی ..... ۱۰۳
- ۴.۱.۳ رویکرد ضدشرق‌شناسانه ترنر ..... ۱۰۶
- ۵.۱.۳ بازگشت رویکرد سنتی مارکسیستی ..... ۱۰۹
- ۶.۱.۳ رویکرد اقتصاد سیاسی دهه ۱۳۶۰ خورشیدی (۱۹۸۰ م) ..... ۱۱۱
- ۷.۱.۳ ما، ایران و والرشتاین ..... ۱۱۲
- ایران، والرشتاین و گذر زمان ..... ۱۱۵
- ۸.۱.۳ رویکرد مارکسیسم سنتی در دهه ۱۳۷۰ خورشیدی (۱۹۹۰ م) ..... ۱۱۸
- ۹.۱.۳ رویکرد روابط ترکیبی شیوه‌های تولید ..... ۱۲۰
- ۱۰.۱.۳ رویکردهای پسانوسازی، پساتوسعه، نئولیبرالی و پساسرمایه‌داری ..... ۱۲۷
- ۲.۳ سهم‌بری و فقدان ظرفیت بهره‌وری؛ مقدمه‌ای بر نظریه‌های نوسازی ..... ۱۳۳
- ۳.۳ الگویی برای مطالعه شکل‌گیری‌های پیشاسرمایه‌داری در ایران ..... ۱۴۰

**فصل چهارم - نقد فرضیه دولت خودکامه در ایران پیشاسرمایه‌داری ..... ۱۴۵**

- ۱.۴ شکل‌گیری دولت در ایران از منظری تاریخی ..... ۱۴۶
- ۲.۴ ساختار طبقاتی و طبقات روستایی - شهری؛ گسترش اربابان غایب ..... ۱۶۸
- ۳.۴ طبقات در سطح ملی در قرون ۱۳ و ۱۴ خورشیدی ..... ۱۷۳
- ۴.۴ ساختار طبقاتی روستایی انعطاف‌پذیر و مقاوم پیشاسرمایه‌داری ..... ۱۸۷

**فصل پنجم - تاریخ، توسعه و فضا‌مندی: تحولات توسعه مکانی-فضایی سنتی و نوین در**

- ایران ..... ۲۰۳**
- ۱.۵ فضا‌مندی و مکان، سکنی‌گزینی و عدالت ..... ۲۱۱
- ۲.۵ نقشه جدید زندگی و ویژگی‌های مکانی-فضایی روابط اجتماعی نوین در ایران ..... ۲۲۴
- ۳.۵ سخن پایانی ..... ۲۲۵

**فصل ششم - گسترش مالکیت غیابی و تجاری - اربابی ..... ۲۲۷**

- ۱.۶ زمین‌داری و مالکیت بر زمین در ایران؛ میراثی از گذشته و رابطه‌ای انتقالی با زمین ..... ۲۲۸
- ۲.۶ بسط و گسترش تاریخی زمین‌داری و زمین خصوصی ..... ۲۳۲
- ۳.۶ الگوهای مالکیت زمین در دوره پس از گذار ..... ۲۴۶
- ۴.۶ پدیده مالکیت زنان بر زمین: گسترش طبقه اربابان غایب ..... ۲۵۲
- ۵.۶ پیامدهای توسعه زمین خصوصی ..... ۲۵۷
- ۶.۶ ویژگی زمین‌داری و مالکیت بر زمین در ایران پیشاسرمایه‌داری؛ نظام مالکیت ارباب غایب ..... ۲۶۱
- ۷.۶ تبدیل تاجران به اربابان ..... ۲۶۶

**فصل هفتم - سهم‌بری و ستاندن محصول/تولید مازاد ..... ۲۸۹**

- ۱.۷ سهم‌بری، نظام‌های بهره‌برداری همچون بنه، در ایران پیشاسرمایه‌داری ..... ۲۹۰
- ۲.۷ نظام زمینداری در روستاهای شاهرود در دوره قبل از اصلاحات ارضی ..... ۳۰۱
- ۳.۷ شیوه‌های ستاندن تولید مازاد در نظام سهم‌بری؛ نظام تقسیم محصول میان اربابان و دهقانان ..... ۳۱۰
- ۴.۷ آثار دیون مختلف بر سهم دهقانان از محصول ..... ۳۳۲
- ۵.۷ نقدهایی بر منطق ستاندن مازاد اضافی و پاسخ به آنها ..... ۳۳۹

**فصل هشتم - تجاری شدن کشاورزی و مشارکت بخش‌های اقتصادی در تولید ..... ۳۴۷**

- ۱.۸ شرایط اقتصادی در آغاز قرن ۱۴ خورشیدی (۲۰ م) ..... ۳۵۰
- ۲.۸ فعالیت‌های صادرات - واردات در قرن ۱۴ خورشیدی (۲۰ م) ..... ۳۵۲
- ۳.۸ نگاهی اجمالی به تولید کشاورزی ..... ۳۵۴
- ۱.۳.۸ غلات ..... ۳۵۵
- ۲.۳.۸ برنج ..... ۳۶۱
- ۳.۳.۸ ابریشم ..... ۳۶۲
- ۴.۳.۸ تریاک ..... ۳۶۴
- ۵.۳.۸ سایر محصولات مهم ..... ۳۶۵
- ۶.۳.۸ پشم و دام و محصولات کشاورزی دیگر ..... ۳۶۶

د □ جامعه‌شناسی تاریخی ایران: شکل‌گیری نظام ارباب غایب

۳۶۸.....	۴۸ نرخ کلی ستاندن مازاد و مقایسه سهم بازارهای داخلی - خارجی از محصولات کشاورزی
۳۷۰.....	۵۸ سازوکارهای بازار
۳۷۳.....	۶۸ توسعه صنعتی
۳۷۴.....	۷۸ فرش

### فصل نهم - شکل‌گیری‌های جدید در جامعه روستایی از اصلاحات ارضی تا سال

۳۷۹.....	۱۴۰۰
۳۸۰.....	۱.۹ پیش‌نیازهای مفهومی برای تحلیل شکل‌گیری طبقات روستایی در ایران
۳۸۶.....	۲.۹ سرمایه‌داری و فروپاشی سازمان کشاورزی سنتی در ایران: شکل‌گیری‌های جدید اجتماعی
۴۰۰.....	۳.۹ نقش شکل‌گیری‌های نوین اجتماعی در تغییرات اجتماعی
۴۰۴.....	۴.۹ بازبینی شکل‌گیری طبقات روستایی بعد از انقلاب: در ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ خورشیدی
۴۰۹.....	۵.۹ پیامدهای تحولات پیشین: جامعه و اقتصاد کشاورزی در دوره معاصر

### فصل دهم - نتیجه‌گیری ..... ۴۱۷

واژه‌نامه ..... ۴۲۵

منابع ..... ۴۲۹



## فهرست جداول

- جدول ۱-۶. طبقات مالک در سال ۱۳۳۵ ..... ۲۵۰
- جدول ۲-۶. مالکیت زمین در سال ۱۳۴۱ برحسب تعداد روستاها ..... ۲۵۱
- جدول ۱-۷. انواع متفاوت تصاحب و بهره‌برداری از زمین قبل از دهه ۱۳۴۰ ..... ۲۹۵
- جدول ۲-۷. درآمد اعضای بنه قبل از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ خورشیدی ..... ۲۹۹
- جدول ۳-۷. تقسیم محصول در مناطق انتخاب شده در دهه ۱۳۳۰ (۱۹۵۰ م) ..... ۳۲۱
- جدول ۴-۷. تقسیم محصول زمانی که گاوداران مقوله‌ای مجزا هستند ..... ۳۲۶
- جدول ۱-۸. صادرات اقلام برگزیده در ۱۲۹۰-۱۲۸۷ (۱۹۱۱-۱۹۰۸ م) ..... ۳۵۲
- جدول ۲-۸. تولید غلات اصلی در سال‌های برگزیده (میانگین سالانه) ..... ۳۵۶
- جدول ۳-۸. سهم محصولات انتخاب شده در کل تولید بین سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۷ ..... ۳۵۶
- جدول ۴-۸. پرورش دام میان سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۳۹ (۱۰۰۰ رأس) ..... ۳۶۷
- جدول ۵-۸. تولید و ستاندن محصولات کشاورزی گوناگون در سال ۱۳۳۹ ..... ۳۶۹
- جدول ۶-۸. اهمیت نسبی بازارهای صادراتی و داخلی برای محصولات کشاورزی عمده ..... ۳۷۰
- جدول ۱-۹. درصد اشتغال در بخش کشاورزی در ایران (۱۳۵۴-۱۳۴۴) ..... ۳۹۴
- جدول ۲-۹. جایگاه جهانی ایران در تولید محصولات کشاورزی (فائو-۲۰۱۳) ..... ۴۱۱
- جدول ۳-۹. میزان افزایش واردات اقلام کشاورزی بین سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ ..... ۴۱۲
- جدول ۴-۹. افزایش صادرات اقلام کشاورزی بین سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ ..... ۴۱۲
- جدول ۵-۹. سالنامه آماری فائو ۲۰۱۸ ..... ۴۱۳
- جدول ۶-۹. سطح زیر کشت به هکتار و به تفکیک روش آبیاری در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ ..... ۴۱۵

## فهرست اشکال

- شکل ۵-۱. ساختار مناصب اداری در دوره صفوی ..... ۲۱۰
- شکل ۵-۲. قلعه باقرآباد یزد و ویژگیهای فضامندی آن ..... ۲۱۳
- شکل ۵-۳. قلعه سریزد، سکونتگاهی قدیمی با لایه های معماری، نشاندهنده ساختار قدرت، با قدمت ۱۷۰۰ ساله ..... ۲۱۴
- شکل ۵-۴. برج و باروهای حفاظتی و امنیتی اطراف روستای چوپانان، شهرستان انارک، استان اصفهان. ۲۱۵
- شکل ۵-۵. یکی از بادگیرهای شهر یزد که اکنون در آن از فنآوریهای نوین نظیر سرماساز (کولر) آبی استفاده شده است. ..... ۲۱۷
- شکل ۵-۶. بادگیرها در روستای چوپانان، شهرستان انارک، استان اصفهان ..... ۲۱۸
- شکل ۵-۷. خانه سنتی ایرانی و گرانقیمت ..... ۲۲۰
- شکل ۵-۸. ایستگاه قطار زیر زمینی (مترو) تجریش ..... ۲۲۲
- شکل ۵-۹. پل طبیعت در بزرگراه مدرس، شمال تهران ..... ۲۲۲
- شکل ۵-۱۰. تصویری از خیابان نلسون ماندلا در شمال تهران ..... ۲۲۳
- شکل ۵-۱۱. تصویری از یکی از خیابانهای مسقف شهر اهواز ..... ۲۲۳
- شکل ۹-۱. نمودار رو به رشد بیکاری در ۲۰ سال اخیر در مناطق روستایی ایران ..... ۴۰۸

## سخن نخست

نسخه پیشین این کتاب ابتدا با عنوان «مفهوم‌پردازی واقعیت در جامعه‌شناسی تاریخی: نظام ارباب غایب در ایران» به زبان انگلیسی توسط نشر سایه روشن در سال ۲۰۰۴ میلادی (۱۳۸۳ خورشیدی) به چاپ رسید، سپس نسخه ترجمه‌شده آن را در چند جلسه در پژوهشگاه علوم انسانی، انجمن جامعه‌شناسی ایران و پژوهشکده تاریخ اسلام ارائه کردم و محتوای آن با نقدها و ارزیابی‌های فراوان و مبسوطی مواجه شد. این نقدها از بسیاری جهات مفید بودند و در بازبینی و ویرایش نسخه‌های بعدی و تغییر عنوان کتاب کمک کردند. چند نفر از دانشجویان دکترا از جمله آقای دکتر محمد حاصلی نیز از آن برای توسعه پایان‌نامه‌اش بهره برد و اظهارنظرهای مؤثری ارائه کرد که برای ایجاد تغییرات در نسخه‌های بعدی سودمند بود. همچنین آقای مصطفی عبدی، مصاحبه‌مفصلی با من انجام داد که در روزنامه اعتماد<sup>۱</sup> به چاپ رسید. در گفت‌وگوهای حضوری مباحث مفصلی در این باره داشتیم که موجب شد احساس کنم ابعادی از مسئله کتاب، از جمله رویکرد نظری آن، باید شفاف‌تر بیان شود. بعدها در سال ۱۳۹۸ با آقای دکتر شایان کرمی آشنا شدم که او نیز این کتاب را نقد کرده بود. در طول گفت‌وگوهای متعدد، او به نکات قابل‌استفاده‌ای اشاره کرد. کتاب پیش رو پس از این چالش‌ها و نقدها با اصلاحات و اضافاتی از نظر شاکله تغییر اساسی کرده و مطالب آن به‌روزرسانی شده و عنوان و ساختار محتوایی و هدف‌گذاری علمی آن نیز تغییر کرده است. برای مثال، فصل دوم درباره نقد رویکرد کاتوزیان و دو قسمت از فصل سوم درباره نقدی است که به تفکرات احمد اشرف کرده‌ام. در همین دو قسمت، رویکردهای پساتوسعه، نئولیبرالی، پسانوسازی و پساسرمایه‌داری اضافه شدند تا ساختار فصل سوم تغییر کند. فصل پنجم درباره "فضامندی و عدالت" بتازگی در سال ۱۴۰۳ به کتاب افزوده شد تا رویکرد دیدمانی (پارادایم) کتاب درباره دولت خودکامه و نقد آن روشن شود. این فصل جدید با عنوان فضا، مکان و عدالت، اضافه شده تا نشان داده شود که ویژگی‌های ملموس (فیزیکی) زندگی مردم ایران در گستره تاریخ، ویژگی‌های شهرسازی و سکنی‌گزینی و نیز شکل‌گیری معماری شهری و روستایی بر اساس ایده عدم تمرکز قدرت دولت و در عوض شکل‌گیری کانونهای قدرت محلی صورت گرفته که شواهد زیادی نیز موجود است.

س □ جامعه‌شناسی تاریخی ایران: شکل‌گیری نظام ارباب غایب

یک قسمت از فصل ششم درباره مالکیت زنان بر زمین نیز به مباحث این فصل اضافه شد تا منطق کتاب که متأثر از نقش مردان در زمین‌داری بود، تغییر کند. در همین خصوص، لازم است اشاره کنم که در شهریور سال ۱۴۰۳ مقالات دکتر حجت کاظمی از اساتید دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران درباره نقد مارکسیزم را مطالعه کردم و با ایشان نیز مکاتبات زیادی داشتم و نکات مفیدی درباره دخالت زنان ایرانی در میدانهای سیاست و اجتماع مطرح کردند. از جمله می‌توان به وقف نامه ربع رشیدی (همدانی، ۶۷۰ خورشیدی)<sup>۱</sup> و بخش مهمی از کتاب "سیرت جلال الدین منکبرنی"<sup>۲</sup> اشاره داشت (نسوی، ۶۸۰ خورشیدی-مینوی، ۱۳۴۴).

همچنین مباحث دکتر مرتضی فرهادی (۱۳۹۳) در خصوص "واره" به مثابه یک سازمان همیاری زنان نشان از آن دارد که زنان در امور اقتصادی هم مشارکت داشتند بطوریکه فرهادی واژه را یک سازمان اقتصادی نیز در نظر می‌گیرد. با این همه نقش زنان در تحلیلهای جامعه‌شناسان و حتی مردم‌شناسان بویژه در دهه های ۱۳۳۰ تا ۱۳۷۰ کمتر به چشم می‌خورد. به همین دلایل در این کتاب به مساله مالکیت زنان توجه بیشتری شده است.

فصل نهم نیز فصل جدیدی درباره شکل‌گیری طبقات روستایی تا سالهای دهه ۱۴۰۰ و پیامدهای تحول نظام کشاورزی در دهه ۱۳۹۰ است.

جدای از قسمت‌های افزوده‌شده، سایر مطالب در همه فصل‌های کتاب، به غیر از فصل هشتم بازبینی و به‌روزرسانی شده‌اند. از جمله در فصل اول، مطالب در حوزه جامعه‌شناسی تاریخی با منابع و بحث‌های جدید ترکیب شده‌اند. فصل دهم نیز که نتیجه‌گیری کتاب است، جرح و تعدیل شده و به این پرسش معرفتی پاسخ می‌دهد که آیا تأسیس رشته جامعه‌شناسی تاریخی برای نظام دانشگاهی ایران یک ضرورت است یا خیر؟ در همین زمینه به این پرسش نیز پرداخته شد که آیا از تحلیل‌های جامعه‌شناسی تاریخی این کتاب می‌توان در برنامه‌ریزی‌های توسعه در ایران و به‌ویژه توسعه روستایی استفاده کرد؟

---

۱. این تاریخ تقریبی است. در اصل، این اثر در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری قمری به نگارش درآمده است. نویسنده کتاب در سال ۷۱۸ هجری قمری مصادف با ۶۹۶ خورشیدی به قتل رسید.

۲. کتاب سیرت جلال الدین منکبرنی یک منبع دست اول و ارزشمند تاریخی است که در قرن ۷ هجری قمری (حدود ۶۶۰ خورشیدی و ۱۲۸۱ میلادی) توسط شهاب الدین محمد نسوی منشی سلطان جلال الدین خوارزمشاه به نگارش درآمده است. کتاب، به آنچه می‌پردازد که در حمله چنگیزخان به ایران رخ داد. این کتاب، همچنین به روابط چنگیز مغول با سلطان محمد خوارزمشاه و کردار فرزندش نیز می‌پردازد.

سخن نخست □ ش

همچنین در نسخه جدید منابع تازه‌ای استفاده شده‌اند و تاریخ‌ها به سالنامه خورشیدی برگردانده شد که به‌راستی وقت زیادی برای آنها صرف شد. امید است این کتاب همچون ویراستهای قبلی محور توجه قرار گیرد و استادان، دانشجویان و پژوهشگران عزیز با نقدها و نظرات خویش کمک کنند تا ویراست‌های بعدی را با غنای بیشتری تنظیم کنم.

البته، در خرداد ۱۴۰۰ نسخه چاپی ۱۴۰۰ کتاب در خانه اندیشمندان با حضور آقایان دکتر محمد سالار کسرای (عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی)، دکتر علیرضا ملایی توانی (عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی) و دکتر مهدی المیر (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی) مورد نقد و ارزیابی قرار گرفت. در نسخه سال ۱۴۰۳، سعی شده است تا نقدهای جدید مورد توجه قرار بگیرند و به آنها پاسخ داده شود. در این خصوص سعی کردم مساله مازاد اضافی یا مازاد محصول که مورد نقد آقای دکتر ملایی توانی بوده است را مورد ارزیابی مجدد قرار بدهم. ایشان تاکید داشتند که مساله مازاد اضافی نمی‌توانست در کشاورزی ایران رخ بدهد. باید برای این ادعای ایشان پاسخ علمی و تاریخی فراهم می‌کردم چرا که ادعای اصلی کتابم بستگی به اثبات وجود مازاد اضافی دارد.

در تابستان ۱۴۰۱ یک سفر تحقیقاتی دو ماهه در شاهرود داشتم و از روستاهای ابر، قهج بالا، قهج پایین، کلامو، حسین آباد، قلعه نو، علی آباد، آبرسج و ده خیر داده‌های جدیدی را جمع‌آوری کنم. با حاج حسن و حاج محمد محمدی (از مطلعین و روستائیان با سابقه روستای قهج پایین) مصاحبه مفصل داشتم تا بتوانم ماهیت تولید کشاورزی را در دو مقطع قبل از اصلاحات ارضی و بعد از اصلاحات ارضی ارزیابی کنم. نتیجه مصاحبه با این افراد در فصل هفتم درباره نظام زمینداری در شاهرود مورد بحث قرار گرفته است.



۱- تصویر حاج حسن محمدی، تابستان ۱۴۰۱-روستای قهج پایین، شاهرود

سخن نخست □ ض



۲- تصویر حاج محمد محمدی - تابستان ۱۴۰۱ - روستای قهج پایین، شاهرود





## قدردانی

ما در فروردین ماه ۱۳۸۱ پسر ۱۸ ساله خود را بر اثر تومور مغزی مصیبت‌بار از دست دادیم که تأثیر تکان‌دهنده‌ای بر من و خانواده‌ام گذاشت. ابتدا باید از خانواده‌ام تشکر کنم که پس از این حادثه، محیط آرام‌بخشی را برایم مهیا و مرا یاری کردند اندکی از درد و اندوهی را که از سر گذرانندیم به تدریج فراموش کنم. شهره، همسر، در این دوره فوق‌العاده بود و بدون یاری او نمی‌توانستم این کتاب را به سرانجام برسانم. از علی و آرش، دو فرزند عزیزم نیز بسیار متشکرم که از من حمایت کردند.

برای تهیه این کتاب تنی چند مرا یاری بخشیدند تا داده‌های مورد نیاز را گردآوری کنم. مایلم از دانشگاه تهران که بودجه فرصت مطالعاتی‌ام را هم در سال ۱۳۸۲ و هم در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ تأمین و مرا به لحاظ روحی حمایت کرد تشکر کنم، بدون کمک آنها این کتاب به سرانجام نمی‌رسید. همکاران و دوستانم در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، زمینه‌ای فراهم کردند که بر پایه آن توانستم ایده‌های خود را درباره جامعه‌شناسی تاریخی بسط و گسترش دهم. دکتر آزاد ارمکی و دکتر اباذری تدریس جامعه‌شناسی تاریخی را در سطح دکترا در سال‌های ۱۳۷۸ و بعد از آن به من پیشنهاد دادند و این مقارن با زمانی بود که بیشتر وقتم را به گردآوری اطلاعات در این حوزه اختصاص داده بودم. این فرصت را یافتم درباره موضوعات مهم با دانشجویان دکترا در دانشکده علوم اجتماعی به بحث پردازم که راه را برای خلق این اثر هموار کرد. بعدها در سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ نیز تدریس این درس را به دانشجویان کارشناسی ارشد فلسفه علوم اجتماعی ادامه دادم. همچنین مایلم از همکار و استاد راهنمای رساله دکترا، بروس مک فارلین قدردانی کنم که مرا در زمان تهیه این کتاب حمایت کرد و افسوس دیگر در بین ما نیست. اساتید مشاورم دکتر ژاک شوالیه و آلن استیوز نیز با نگاه‌های انتقادی‌شان خیلی در جدی‌تر دیدن مسائل کمک کردند. آخرین فصل‌هایی که به نگارش در آوردم فصل اول و دوم این کتاب است. فصل اول زمانی به نگارش درآمد که فرصت مطالعاتی خود را در دانشگاه کارلتون کانادا در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳ م) می‌گذراندم. از مقام‌های دانشگاه کارلتون سپاسگزارم که استفاده از امکاناتشان را در این دوره برایم میسر ساختند. دوران خوبی را در گروه جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دانشگاه کارلتون با اعضای هیأت علمی و کارمندان سپری کردم. آنها محیط دوستانه‌ای برایم فراهم کردند تا این اثر به ویرایش نهایی رسید.

همچنین بحث‌های بسیاری با دوستم دکتر دیوید هابکا<sup>۱</sup> داشتم و بدون بینش‌های او نمی‌توانستم بر تردیدهایی که هنگام نگارش این کتاب داشتم فائق آیم. فصل دوم نیز زمانی به نگارش درآمد که فرصت مطالعاتی را در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ (از نوامبر ۲۰۱۹ تا سپتامبر ۲۰۲۰) در بخش جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دانشگاه بریتیش کلمبیا در کشور کانادا می‌گذراندم. در اینجا، با خانم دکتر ریما ویلکس<sup>۲</sup> درباره این طرح صحبت‌های زیادی انجام می‌دادم، حتی در تابستان ۱۳۹۹ نیز این بحث‌ها به‌ویژه در حیطه نظری ادامه داشت. او علاقه زیادی به تاریخ از حیث نظری نشان می‌داد و ضمناً خودش نیز کتابی را در دست نگارش داشت که نیازمند مباحث نظری در حیطه روابط قومی - نژادی در کانادا بود. این علاقه‌مندی سبب شد جلسات مکرری داشته باشیم و درباره چالش‌های نظری این کتاب صحبت کنیم. گروه جامعه‌شناسی دانشگاه بریتیش کلمبیا فضای خیلی خوبی را برایم فراهم کرده بود و واقعاً با فراغ بال توانستم خیلی از طرح‌های نیمه‌تمامم از جمله این کتاب را به اتمام برسانم. جا دارد از همه اعضای هیأت علمی به‌ویژه دکتر کری یودانیس<sup>۳</sup> و دکتر رلف متیوز<sup>۴</sup> تشکر کنم. همچنین در سالهای ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ با استفاده از فرصت پژوهشی در دانشگاه آلبرتا در شهر ادمونتون کانادا مشغول بکار شدم و با دکتر راب شیلدز در گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آلبرتا مباحث زیادی را مرور کردیم. در ماه مارچ ۲۰۲۴ (فروردین ۱۴۰۳) در کنفرانس *مکان و فضا و مفهوم عدالت* شرکت کردم و درباره تحولات تاریخی مکان و فضا در ایران تحقیق و صحبت کردم و در این راستا مطالب جدیدی را درباره ساختار قدرت در ایران فراهم کردم. به همین دلیل جا دارد از دانشگاه تهران مجدداً تشکر کنم. همچنین از دکتر راب شیلدز و بخش جامعه‌شناسی دانشگاه آلبرتا بخاطر حمایت‌هایشان تشکر می‌کنم. این تجربه موجب شد تا دیدگاه خودم را درباره نقد کارهای کاتوزیان و احمد اشرف تقویت کنم. بویژه قصد داشتم تا اسناد و مدارک بیشتری درباره عدم وجود قدرت دولت مرکزی و عدم اعتبار ایده دولت خودکامه که اغلب معتقدند در سراسر تاریخ ایران حاضر بوده و مانع شکل‌گیری طبقات اجتماعی بوده و به همین دلیل مانع تحول تاریخی و مانع توسعه ایران بوده، را به اثبات برسانم. نکته دیگری که در این ویراست آنرا مطالعه خواهید کرد، ارائه ریخت‌شناسی و ویژگی‌های معماری در شهر نشینی و روستا نشینی در ایران است که خود بیانگر وجود پراکندگی قدرت و نه تمرکز آن در ایران بوده است.

---

1. David Hubka  
2. Rima Wilkes  
3. Carrie Youdanis  
4. Ralph Mathews

قدردانی □ غ

اما لازم می‌دانم بار دیگر به تجربه خودم در سال ۲۰۰۳ میلادی اشاره کنم، چراکه در آن سال با بسیاری از افراد فعال در حوزه جامعه‌شناسی تاریخی از جمله دکتر درک صایر (۱۹۹۱)، دکتر تدا اسکاچپول<sup>۱</sup>، دکتر مارگارت سامرز<sup>۲</sup>، دکتر گلدتورپ<sup>۳</sup>، دکتر الکس کالینیکاس<sup>۴</sup>، دکتر دیوید هاول<sup>۵</sup> و بسیاری دیگر در ارتباط بوده‌ام که نامشان را فراموش کردم. تصورم در این کار دستیابی مستقیم به ایده‌های آنها بود تا از این رهگذر بتوانم این ایده‌ها را به روشنی به مخاطب انتقال دهم که در عمل نیز تصور درستی بود. در این فرآیند، دکتر اسکاچپول و دستیارش ماری آبیگیل پک<sup>۶</sup>، دکتر گلدتورپ و دکتر کالینیکاس مرا یاری کردند که لازم است از آنها تشکر کنم، همچنین با دانشگاهیانی که جامعه‌شناسی تاریخی تدریس می‌کردند، تماس داشتم. با انجمن جامعه‌شناسی آمریکا، بخش مرتبط با جامعه‌شناسی تاریخی نیز در ارتباط بودم که لازم می‌دانم از همه آنها تشکر کنم.

اخیراً در سال ۱۳۹۹ نیز با آقای دکتر شایان کرمی تحصیلکرده تاریخ در تماس بودم و اسناد زیادی را که خودش با زحمات و مشقات فراوان در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمع‌آوری کرده بود در اختیارم گذاشت. این اسناد به همراه دو مقاله ایشان ایده‌های جدیدی را به من داد و موجب شد نسبت به ترکیب مالکان زمین در قرن ۱۴ خورشیدی و قبل از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ (قرن بیستم)<sup>۷</sup> و به عبارت دیگر، تا قبل از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ تغییر رویکرد بدهم. او با این اسناد نشان می‌دهد احتمالاً حدود ۵۰۰۰۰۰ زن نیز در طبقه مالکان زمین قرار داشتند که تا به حال کمتر کسی به آنها پرداخته است. گرچه این رقم، تخمینی دور از ذهن و اغراق‌آمیز به نظر می‌آید، اما تعداد هرچه باشد این پرسش را در ذهن محققان جامعه‌شناس تاریخی ایجاد می‌کند که با وجود تعداد زیادی سند که حاکی از مالکیت زنان بر زمین بوده، چرا تا به حال به مشارکت زنان در مالکیت زمین پرداخته نشده است. به همین دلیل جا دارد از دکتر شایان کرمی تشکر کنم که فرصت مناسبی برای رسیدگی به این موضوع برایم فراهم کرد. اگر زمانی مارک بلاک و فرنان برودل بر تاریخ‌نگاری مارکسیستی به این دلیل تاختند که مارکسیست‌ها تاریخ را تقلیل‌گرایانه می‌دیدند، من نیز این نقد را بر تاریخ‌نگاری متخصصان تاریخ و جامعه‌شناسان تاریخی می‌بینم که نقش و حضور زنان را نادیده گرفته‌اند. مباحث شایان کرمی موجب شد

---

1. Theda Skocpol  
2. Margaret Somers  
3. John Goldthorpe  
4. Alex Collinicos  
5. David Howell  
6. Mary Abigail Peck

۷. لایحه اصلاحات ارضی در ۱۹ دی ۱۳۴۱ به تصویب رسید و از سال ۱۳۴۲ اجرا شد.

ف □ جامعه‌شناسی تاریخی ایران: شکل‌گیری نظام ارباب‌غایب

این نقیصه در اینجا، ولو به شکل مختصر بازبینی شود. این موضوع یکی از نقایص تفسیر تاریخی زمین‌داری و مالکیت زمین در ایران را برطرف می‌کند. این نقص آنجایی دیده می‌شود که ساختارهای پیشاسرمایه‌داری را عمدتاً فاقد تعارض طبقاتی می‌بینند، یا قدرت دولت را آن‌قدر بزرگ‌نمایی کرده‌اند که حضور زنان که از شاخص‌های انعطاف‌پذیری در یک شیوه تولید و پویایی طبقاتی محسوب می‌شود، نادیده گرفته شده است.

در ویراست جدید که در سالهای ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ روی آن کار کردم به مساله مکانمندی و فضا‌مندی توجه شده است تا ابعاد جدیدی از جامعه و سیاست در ایران روشن شود. در این بحث، نظریه دولت خودکامه از منظر فضا‌مندی و معماری و نقشه ذهنی ایرانیان نقد شده است. در این خصوص مجدداً باید از گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آلبرتا که یکسال (از مهر ۱۴۰۲ تا مهر ۱۴۰۳) در آنجا بودم و نیز حمایت دانشگاه تهران که به من فرصت پژوهشی اعطا کرد، تشکر کنم.

از آقای دکتر حجت کاظمی از اساتید دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران که منابع و مطالب جدیدی را در مرداد و شهریور ۱۴۰۳ در اختیارم گذاشتند و بحثهای مفیدی درباره نقش تاریخی زنان در سیاست و در مالکیت زمین با هم داشتیم نیز تشکر می‌کنم.

دوستان، همکاران دانشگاهی و دانشجویان فراوانی نیز در مباحث مشارکت داشتند و با پرسش‌های چالش‌برانگیز کمک کردند زوایایی را که از دید من پنهان مانده بود مدنظر قرار بدهم و جا دارد از آنها نیز تشکر کنم.

همچنین باید از انتشارات دانشگاه تهران و همه همکاران انتشارات بویژه آقای نظام آبادی تشکر کنم. جادارد از نماینده محترم دانشکده در انتشارات، آقای دکتر سعیدی، تشکر کنم که با صبر و حوصله و دقت علمی کارهای علمی کتاب را پیگیری کردند.

در پایان لازم می‌دانم به این نکته اشاره کنم که این ویراست، اکنون با نسخه ابتدایی کتاب که آقای دکتر علیرضا صادقی آنرا ترجمه کرده بودند تفاوت‌های فراوانی پیدا کرده است. در عین حال بر خود لازم می‌دانم از ایشان، به‌خاطر زحمات فراوان و کمک به اینجانب تشکر و قدردانی کنم.

## مقدمه

مطالعه داده‌های جامعه‌شناسی تاریخی در دهه‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ و ۱۴۰۰ خورشیدی (دهه ۱۹۹۰ میلادی و نخستین سال‌های قرن ۲۱ میلادی) نشان می‌دهد مسائل متعددی وجود دارد که مانع رشد این حوزه به‌عنوان رشته‌ای مستقل شده است. جامعه‌شناسی تاریخی مدت‌هاست که به‌عنوان بخشی از حوزه و رشته جامعه‌شناسی در نظر گرفته می‌شود و جامعه‌شناسی در مجموع به شیوه‌ای اثبات‌گرایانه (پوزیتیویستی) به مطالعه موضوعات پژوهشی پرداخته است که در آن، مفهوم «واقعیت» با مفاهیم مدرک و شاهد، آن‌هم تنها در زمان رخداد پدیده پیوند یافته است. از این رو، یکی از مهم‌ترین مشکلات معرفتی هنگامی پدید می‌آید که مطالعات تاریخی قرار است به مسائلی نظیر تاریخ طولانی توسعه‌نیافتگی در جایی پردازد که گواه، سند، شاهد و مدرک اندکی وجود دارد (برایان، ۱۹۹۴؛ روی، ۱۹۸۷؛ کلمنس، ۱۹۹۹؛ سوپرت، کومسا، روزدو، ۲۰۲۰: ۸۲-۴۳)<sup>۱</sup>، یا اصلاً چنین شواهدی وجود ندارد. هنگامی که در دهه ۱۳۷۰ خورشیدی (۱۹۹۰ م) دوره دکتری خود را می‌گذراندم، همان‌طور که بعداً نشان خواهم داد با تبیین‌های متفاوتی درباره علت توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران مواجه شدم. در این اثر، من نیز سعی کرده‌ام همچون دیگران، تبیینی و به سخن روش‌شناختی، تفسیری ارائه کنم که متفاوت از تبیین و تفسیرهای قبلی است، هرچند همواره به مفهوم علم، واقعیت و تاریخ توجه داشته‌ام. روشن است که هر یک از تبیین‌ها و تفسیرها همانند سایر تبیین‌ها و تفسیرها، معتبر و بسنده بوده‌اند، زیرا هیچ‌یک از این تبیین‌ها و تفسیرها به «واقعیت» به همان شیوه علم متعارف (ارائه شاهد عینی و زنده) نمی‌پرداختند. به عبارت دیگر، پرسش مهمی وجود داشته که همیشه درصدد بودم به آن پردازم و پاسخ دهم: اگر هیچ گواه عینی و ملموسی درباره موضوعی تاریخی وجود ندارد، «واقعیت» چگونه در تاریخ تعریف شده است؟ یا قابل تعریف است؟ همین اواخر به پاسخی دست یافتم که آن را در این کتاب ارزیابی خواهم کرد. پاسخ این است: هیچ واقعیتی آن‌گونه که در علم سنتی تعریف شده است، وجود ندارد. پژوهشگر نیازمند شناخت بیشتری از تاریخ است تا از این

---

1. Evidence and Presence

منظور از حضور، مشاهده عینی یا آن بخش از واقعیت است که مشاهده‌پذیر می‌باشد. به عبارت دیگر، "واقعیت" به همان شکلی که در حال وقوع است و معمولاً از طریق حواس پنج‌گانه و بدون واسطه مشاهده و درک می‌شود.

2. William G. Roy

3. Joseph M. Bryant

ک □ جامعه‌شناسی تاریخی ایران: شکل‌گیری نظام ارباب غایب

رهگذر بتواند به ساخت «واقعیت» امر گذشته یا تاریخی پردازد. تکرار می‌کنم: به ساخت «واقعیت»، یعنی جامعه‌شناس تاریخی واقعیت را کشف نمی‌کند، بلکه باید آن را بسازد. در این معنا مفهوم «علم انباشتی» بی‌ربط به نظر می‌رسد، هرچند تولید دانش از طریق روایت و تحلیل روایی تداوم می‌یابد. به‌منظور فراهم کردن تعریفی برای «واقعیت» و شیوه‌ای که واقعیت در تاریخ ارزیابی می‌شود، تبیین روایی توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران را به‌عنوان نمونه این کار جدید برگزیدیم. همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، نوعی تحلیل روایی از توسعه‌نیافتگی پیشاسرمایه‌داری ایران ارائه می‌کنم تا نشان دهم چگونه روایت‌ها به‌وجود می‌آیند.

برای بساختن یک روایت از توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران ابتدا نیازمند آنیم به مسائلی پردازیم که در تولید دانش سهم‌اند. از این رو، در فصل اول بعضی از مهم‌ترین مسائل معرفت‌شناختی پیرامون پژوهش درباره پدیدارهای تاریخی که تاکنون نادیده گرفته شده‌اند مطالعه خواهد شد. این موضوع ما را یاری می‌کند رویکردهای مارکسیستی و نوماکسیستی به توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران را همانند روایت‌های دیگری که خود نیز باید به روایت درآیند، در نظر بگیریم. اولویت این تحلیل روایی در برگزیدن توسعه‌نیافتگی روستایی و ادبیات پیرامون آن در ایران در سه نکته نهفته است: ۱- نخستین نکته این است که این تحلیل، روایتی است که خود را بر مبنای تحلیل روایت‌های پیشین ارائه می‌دهد، ۲- دومین نکته اینکه این تحلیل، قابلیت‌های معرفت‌شناختی خود را از طریق منطق و بحث می‌شناساند و از این رو، خود را به‌عنوان دانش مبتنی بر شواهد در نظر نمی‌گیرد، ۳- اکنون در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ - ۱۴۰۲ - ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ خورشیدی کماکان همان اصول موضوعه در این باره وجود دارد و با اینکه جامعه‌شناسی در ایران و در خارج از آن پیشرفت کرده، اما موضوع تفسیر تاریخی توسعه‌نیافتگی روستایی ایران همچنان مطرح است و باید به آن پرداخته شود. در فصل سوم مباحث جدیدی را در حوزه پساتوسعه و پسانوسازی، نئولیبرالیسم (لیبرالیسم نوین) و پساسرمایه‌داری مطرح کرده‌ام با این امید که در آنها تلاشی برای حل مسئله تفسیر تاریخ توسعه‌نیافتگی روستایی ایران بیابم، اما با اینکه رویکردهای نوینی به‌شمار می‌روند انگار جملگی مسئله توسعه‌نیافتگی روستایی ایران را کنار گذاشته و آنرا از دستور کار تفسیر خارج کرده‌اند.

بر این اساس، می‌توان گفت پرسش کنونی این است که این کتاب چگونه روایت جدیدی ارائه می‌دهد که هم جای خالی تفسیرهای گذشته را بگیرد و هم با پیشرفت‌های جدید حوزه علم هماهنگ باشد؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا با ارائه برخی اطلاعات تاریخی درباره جامعه و تاریخ روستایی ایران آغاز می‌کنیم تا ناحیه‌ای کانونی را نشان دهیم که به روایت درمی‌آید. جذب و ستاندن مازاد از جامعه

روستایی ایران توسط نیروهای غیرروستایی در دوره پیش از سال ۱۳۴۱ و در نتیجه، توسعه نیافتگی ایران روستایی، موضوع اصلی این کتاب است. برای مطالعه ستاندن مازاد، به تحلیل تاریخی شکل گیری اربابان غایب با تأکید خاص بر تاجر - اربابان و نقش آنها در کشاورزی خواهیم پرداخت. این روند روایی نشان خواهد داد چگونه رویکردهای مارکسیستی، از یکسو و توسعه گرایانه از سوی دیگر، به روایتی از «واقعیت» توسعه نیافتگی پرداختند که بعدها سرلوحه برنامه اصلاحات ارضی و صنعتی شدن ایران قرار گرفت، اما نشان می‌دهیم اگر روایت بر اساس واقعیت‌های دیگری همچون رابطه شهر و روستا (شکل گیری اربابان غایب و نقش تاجر و حتی زنان در بخش کشاورزی) قرار می‌گرفت، چه بسا ایران مسیر دیگری را برای برنامه‌های توسعه برمی‌گزید. این همان چیزی است که در این کتاب تحت عنوان «مفهوم‌سازی واقعیت در جامعه‌شناسی تاریخی» به آن توجه دارم. منظور از «مفهوم‌سازی واقعیت» این است که اتفاق‌های تاریخی ایران واقعا چه بوده اند؟ آیا آنچه در کتب تاریخی از آنها نام برده می‌شود واقعا و عینا با رخدادها تطبیق می‌کنند؟ به عبارت دیگر این رخدادهای تاریخی چگونه تعریف می‌شوند تا به دایره فهم انسان‌های امروزی دربیایند.

برخی محققان، به تاجر و نقششان در تولید محصولات کشاورزی سرمایه ای (از جمله تریاک) در اواخر قرن نوزدهم اشاره می‌کنند (گیلبار، ۱۹۷۸-۱۹۷۷)<sup>۱</sup> و برخی دیگر نیز به آنها همچون نیروهای سرمایه‌دار بالقوه می‌نگرند که نتوانستند به بورژوازی در ایران تبدیل شوند (برای مثال نک: اشرف، ۱۹۷۸؛ اشرف و حکمت، ۱۹۸۱)<sup>۲</sup>، اما نقش آنها به‌عنوان تاجر - اربابان که در اواخر قرن نوزدهم در ایران روستایی رخنه کردند و بر ساختار تولید کشاورزی تأثیر گذاشتند نادیده گرفته شده است. من نقش آنها را به‌ویژه در پیوند دادن اقتصاد روستایی با اقتصاد شهری مهم می‌دانم؛ پیوندی که به استثمار اقتصاد روستایی در دوره قبل از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ در ایران منجر شد.<sup>۳</sup> به نظر من این پدیده قدرت تبیینی و تفسیری بیشتری نسبت به تفسیرهای مارکسیستی و توسعه گرایانه دهه ۱۳۴۰ دارد.

ایران روستایی در نیمه دوم سده ۱۳ خورشیدی (یا پیش از اواخر قرن نوزدهم میلادی)، تحت سلطه زمین‌داران (که عمدتاً تیول‌دار بودند) به‌عنوان نخستین بهره‌بران از زمین قرار داشت. زمین‌داران

1. Gad G. Gilbar

2. Ahmad Ashraf and H. Hekmat

۳. قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۹ دی‌ماه ۱۳۴۰ بود و ششم بهمن ۱۳۴۱ به قانون تبدیل و در سه مرحله از سال ۱۳۴۱ و تا سال ۱۳۵۳ اجرا شد و به اصلاحات ارضی سال ۴۱ معروف است.

(تیول‌داران) به ازای خدماتشان به دولت از حقوق زمین‌داری موقت بهره‌مند بودند و سهم‌بری (نظام بهره‌برداری سنتی از زمین)، روابط میان این طبقات مسلط و دهقانان را تنظیم می‌کرد. در نیمهٔ دوم سدهٔ ۱۳ خورشیدی (اواخر قرن نوزدهم)، زمین‌داری به مالکیت خصوصی بر زمین تغییر یافت، چراکه دولت شروع به فروش زمین‌های دولتی (زمین‌های خالصه) به اربابان خصوصی (عمدتاً تجار شهری) کرد. از این رو، بخش عمده‌ای از تجار بزرگ اقدام به خرید زمین کردند و از این جهت زمین تیول (حقوق زمین‌داری که توسط دولت اعطا می‌شد) به تدریج از میان رفت و مالکیت بر زمین بسط و گسترش یافت، اما این فرآیند که تا اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ ادامه داشت، نظام سهم‌بری را تغییر نداد. تجار که اکنون بخشی از گروه اربابان غایب بودند (و بخش دیگری را ارباب - زنان غایب تشکیل می‌دادند)، قراردادهای سهم‌بری را با دهقانان منعقد کردند که این به ستاندن تولید مازاد منجر شد. به نظر من، در این شرایط، تجار به‌عنوان بخشی از طبقهٔ مالکان غایب زمین، در استخراج تولید مازاد از اقتصاد روستایی دخالت داشتند که سبب توسعه‌نیافتگی قابل توجه مناطق روستایی قبل از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ شد.

در میانهٔ مباحث، کتاب همایون کاتوزیان را بیشتر مطالعه کردم و محتویات آن، چه از منظر تحلیل تاریخی ایران، چه از منظر ارزیابی هویت ایرانی و چه از منظر نظریه‌پردازی توجهم را بیش از پیش جلب کرد. ابتدا نظریهٔ او را در قالب سنخ‌شناسی نظریه‌های توسعه در فصل سوم و نظریه‌های دولت در فصل چهارم آورده بودم، اما کتاب «دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی» مباحثی را مطرح کرده که مصداق بارز مفهوم‌سازی واقعیت در جامعه‌شناسی تاریخی است و باید در قالب فصلی جداگانه به آن پرداخته می‌شد تا روایتی را که در اینجا در کتاب «ارباب غایب» از «واقعیت» ارائه می‌کنم آشکارتر کند. بر این اساس فصل دوم به ارزیابی نظریه‌های کاتوزیان و نقد آنها اختصاص دارد تا مباحث فصل اول که دربارهٔ جامعه‌شناسی تاریخی جدید است به نحو منطقی‌تری به مباحث نظری فصل سوم پیوند یابند.

بر این اساس، در فصل سوم مسئلهٔ ایران پیشاسرمایه‌داری در آثار و نوشته‌های مارکسیستی و غیرمارکسیستی ارزیابی شده است. نشان خواهیم داد که مارکسیست‌ها شیوهٔ تولید واحد، یکدست و یکپارچه‌ای، یعنی فنودالیسم یا شیوهٔ تولید آسیایی را برای تفسیر تاریخ پیشاسرمایه‌داری در ایران به کار می‌برند. استدلالم این است که نه مفهوم فنودالیسم و نه شیوهٔ تولید آسیایی، توسعه‌نیافتگی روستایی را مستدل و تبیین، تفسیر و تشریح نمی‌کنند، زیرا مارکسیست‌ها در تحلیل خود ویژگی روابط روستایی - شهری را در شکل‌گیری‌های اجتماعی - اقتصادی ایران پیشاسرمایه‌داری در نظر نمی‌گیرند. در واقع، آنها این ویژگی را نادیده انگاشته‌اند. مارکسیست‌ها از این «واقعیت» غفلت کرده‌اند که قبل از سال ۱۳۴۱ روابط



استثماري ميان اقتصادهاي شهري و روستايي، به فرآيند توسعه متمايز و ناهموار در نواحی شهري و روستايي انجاميده و کمک کرده است. به نظر من، فهم اين فرآيند توسعه متمايز و ناهموار زماني ممکن می شود که اين نکته را بپذيريم که تاريخ ايران پيشاسرمایه داری، تاريخی سراسر يکنواخت نبوده است. همچنين نشان خواهيم داد غيرمارکسيست ها تأکيد زيادی بر بهره وری پايين در کشاورزی دارند و آن را در رابطه با عوامل ساختاری و درونی روستا و فرآيند توليد کشاورزی مفهوم پردازی می کنند. در اين رويکرد، مطالعه دقيق روابط شهري - روستايي و نقش تجار در کشاورزی نادیده گرفته شده است، بنابراين غير مارکسيست ها فرض نکرده اند که مسئله توسعه نيافتگی روستايي پيامد رابطه ای ساختاری ميان اقتصادهاي شهري و روستايي بوده است.

برای مطالعه روابط استثماري شهري - روستايي و توسعه نيافتگی روستايي که در پی آن پديد آمد، تحليل خود را با مباحث اساسی درباره شيوه توليد آسيابي آغاز می کنم. آثار مارکس که درباره نظام آسيابي نگاشته شده اند، بحث درباره ماهيت شيوه های توليد در ايران پيشاسرمایه داری را برانگيخت. مؤلفه مهم شيوه توليد آسيابي، يعنی ماهيت دولت خودکامه (يا حکومت مطلقه) در ايران پيشاسرمایه داری در فصل چهارم ارزيابی و بيان می شود روابط طبقاتی، گزينه نسبتاً بهتری را برای تحليل فرآيند ستاندن مازاد در ايران پيشاسرمایه داری فراهم می کند. به دنبال اين موضوع، نوعی سنخ شناسی طبقاتی از طبقه ملی و محلی ارائه خواهد شد.

در نسخه ۱۴۰۳ و به منظور نفی نظام مند ادعای وجود دولت خودکامه در تاريخ ايران، فصل پنجم را درباره فضا مندی و تفکيک فضاهاي شهري و روستايي و تأثير قدرت سياسی بر فضاها روستايي ارائه کرده ام. در اين فصل همچنين درباره مفهوم و پديده عدالت در تاريخ ايران و ربط آن به فضا مندی شهري و روستايي و معماری آنها مطالب زيادی ارائه شده است.

روابط طبقاتی به عنوان منشأ اصلی قدرت سياسی و اقتصادی طبقات اجتماعی در برابر دولت، يعنی گستره زمين های تحت کنترل يا مالکيت عاملان غير دولتی، حائز اهميت است که در فصل ششم مطالعه خواهد شد. بحث را با ارزيابی چگونگی گسترش زمين های خصوصی و شکل خاص آن، يعنی مالکيت غیابی در ايران پيشاسرمایه داری آغاز می کنیم. در اواخر قرن نوزدهم، اين موضوع با فعاليت تجار شهري در مالکيت زمين همراه شد. در واقع، مداخله تجار در مالکيت زمين، عامل تسهيل کننده روابط استثماري ميان اقتصادهاي شهري و روستايي به شمار می آيد، البته با کمک دکتر شایان کرمی به اسناد زيادی در سال ۱۳۹۹ دست يافته ام که از دخالت تعداد زيادی از زنان در بخش مالکيت زمين داری حکايت دارد و مالک

غایب محسوب می‌شدند. در اینجا فقط به چنین پدیده‌ای اشاره می‌شود، چراکه پرداختن به آن نیازمند تحقیقات بیشتری است.

به هر روی، برای نشان دادن نتایج روابط استثماری بین شهر و روستا، نظام بهره‌برداری از زمین که در آن ستاندن محصول رخ می‌داد و مبتنی بر سهم‌بری بود، در فصل هفتم به بحث گذاشته می‌شود. نکته مهم در این بحث، تداوم سهم‌بری در دو نظام زمین‌داری و مالکیت زمین است. بنه‌ها، هراسه‌ها، صحراها، پیکال‌ها، پاگاو‌ها و واحدهای تولید مشابه<sup>۱</sup> که در آن سهم‌بری به انجام می‌رسید، کانون این مطالعه خواهند بود، به‌ویژه آنجا که به تعیین شیوه‌های ستاندن مازاد می‌پردازیم.

در فصل هشتم بر کشاورزی تجاری متمرکز می‌شویم تا بازاریابی مازاد ستانده‌شده را نشان دهیم؛ مازادی که به‌وسیله طبقات مسلط به مناطق شهری انتقال می‌یافت. این بخش داده‌هایی فراهم می‌کند تا اهمیت تولید مازاد را در فرآیندهای کلی توسعه در ایران پیشاسرمایه‌داری نشان دهد. در این فصل تازه‌ترین نقدها به کتاب ارباب‌غایب را با روایتی از نقد کاووس و اضحی ارزیابی می‌کنم. نقد او از بسیاری جهات به‌ویژه تأکید بر دوره‌بندی پیشاسرمایه‌داری و اختلاف آن با برداشت کتاب، ارزشمند بود و سبب شد نگاهی مجدد به ادعاهای کتاب بیندازم. نقد او بر مفهوم مازاد اضافی و جلوه‌های تحقق آن نیز جالب توجه بود و باید به آنها پاسخ می‌دادم.

در فصل نهم یافته‌های جدیدی در خصوص شکل‌گیری‌های جدید در جامعه روستایی ایران به بحث گذاشته خواهد شد. این بحث در واقع پاسخ و واکنشی است به چگونگی «مفهوم‌سازی واقعیت تاریخی تولید کشاورزی» که با رویکردهای نظری شیوه تولید آسیایی، شیوه تولید فئودالیستی و رویکرد ناکارآمدی ساختاری تا دهه ۱۳۴۰ صورت گرفته بود. در این فصل نشان داده می‌شود مفروضات توسعه‌ای نادرست، پیامدهای توسعه‌ای نادرست به بار آورده است.

سرانجام در فصل نتیجه‌گیری نیز با توجه به یافته‌های جدید، نتایج را از نو ساماندهی و ارائه کرده‌ام. لازم است اضافه کنم برای انجام این پژوهش (به‌ویژه فصل‌های سوم، چهارم، ششم و هفتم)، و زمانی که در خارج از کشور بودم، سه سفر تحقیقاتی به ایران در سال‌های ۱۳۷۰، ۱۳۷۱ و دی‌ماه سال ۱۳۷۲

---

۱. در روستاهای مازندران این واحدهای تولیدی تحت عناوینی همچون کایری (دروکایر، نشاء کایر) و همآزی (گوهماز، باغ هماز، نشاء هماز) شناخته می‌شدند. در استان کردستان این واحدها تحت عنوان هارواوا (Haravaz) شناخته می‌شدند. در روستاهای شاهرود از آنها به عنوان بلوک یا ورهمیار نام برده می‌شد. البته بنه‌ها و صحراها بیش از سایر واحدهای همیاری به بکارگیری نظام مزارعه و سهم‌بری اشتهار دارند.

داشتم. در آخرین سفر، با استاد صفی‌نژاد در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران ملاقات داشتم (صفی‌نژاد، ۱۳۷۲). او متخصصی با سابقه در نظام‌های بنه و آبیاری در ایران است. همچنین بازدید نیز از کتابخانه وزارت کشاورزی<sup>۱</sup>، بانک کشاورزی، مرکز آمار ایران، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی و دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی (وزارت آموزش عالی)، مرکز مطالعات روستایی (وزارت کشاورزی) و سازمان برنامه و بودجه داشتم.

اطلاعاتی که در این پژوهش استفاده شده‌اند، می‌توانند به منابع اولیه و ثانویه تقسیم شوند. منابع اولیه اصلی، اسناد و داده‌های دیگری بودند که در بازدید از مراکز مختلف در ایران گردآوری کردم. در میان منابع ثانویه، شاید مهم‌ترین آنها برای این مطالعه، آثار لمبتون<sup>۲</sup> و صفی‌نژاد بود. کتاب‌های ۱۹۶۹ ب و ۱۹۸۷ از لمبتون، نقش مهمی در فراهم کردن اطلاعات مربوط به نظام بهره‌برداری زمین در ایران پیش از اصلاحات ارضی سال ۱۳۴۱ داشتند (همچنین نک: لمبتون، ۱۳۴۳). آثار صفی‌نژاد، به‌ویژه کتاب سال ۱۳۶۸ وی در مورد بنه‌ها (صفی‌نژاد، ۱۳۶۸)، از جمله شناخته‌شده‌ترین منابع در زمینه بحث بنه‌ها در ایران و نظام‌های آبیاری است. با توجه به پژوهش میدانی، مجموعه‌ای از مطالعات توسط گروه تحقیق و عطایی در مجله فارسی تحقیقات اقتصادی منتشر شده است که دسترسی کاملی به جلد ۱ (۱۳۴۰) تا جلد ۱۸ (۱۳۴۹) داشتم. نتایج این مطالعات از اهمیت بسیاری برخوردار بودند. یافته‌های پژوهشی این مطالعات از طریق فراهم کردن نمونه‌هایی از تک‌تک روستاها ارزیابی شدند، زیرا این یافته‌ها با تغییرات مؤلفه‌های مختلف نظام بهره‌برداری زمین در میان دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ (۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ م) سروکار دارند. این افزون بر گزارش‌های دیگری است که در مجموعه مقالات مجله تحقیقات اقتصادی منتشر شده‌اند، همچنین باید به کار هومن (۱۳۴۱) اشاره کنم که مرا در بحث‌های مختلف نظیر توسعه تاریخی نظام‌های زمین خصوصی و بهره‌برداری زمین یاری رساند. کار هومن، کمک شایان توجهی به‌ویژه در زمینه توسعه تاریخی نظام‌های زمین خصوصی و بهره‌برداری زمین کرد. در این خصوص می‌توانم به ارزیابی مفصل او از تنوع روش‌های تقسیم محصول میان اربابان و دهقانان اشاره کنم که بسیار مهم بود. همچنین مطالعاتی که توسط خسروی (۱۳۵۸)، صفی‌نژاد، عجمی و عبدالله‌اف (۱۹۷۱، ۱۳۵۶، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱) در مورد بهره‌برداری از زمین در ایران صورت گرفته و در مجله نامه علوم اجتماعی در دهه ۱۳۵۰ (۱۹۷۰ م) منتشر شده است بسیار سودمند

۱. نام آن اکنون به وزارت جهاد کشاورزی تغییر کرده است.

ی □ جامعه‌شناسی تاریخی ایران: شکل‌گیری نظام ارباب غایب

بود. آثار اولیه استک<sup>۱</sup> (سفرنامه، ۱۸۸۲) و جمال‌زاده (۱۹۱۷ میلادی که سال ۱۳۶۲ خورشیدی منتشر شد) نیز ارزش قابل توجهی داشت، همچنین مقالات گیلبار<sup>۲</sup> (۱۹۷۷، ۱۹۷۸) درباره تجاری شدن کشاورزی و نقش تجار در ایران قرن نوزدهم و مجموعه داده‌ها و اطلاعات مفید عیسوی (۱۹۷۱، ۱۹۹۱) درباره شرایط اقتصادی ایران در دوره‌های مختلف، کمک بسزایی کرد.

اخیراً نیز رحمانیان و کرمی (۱۳۹۸) تحقیقاتی پیرامون تجاری شدن کشاورزی و گسترش تاجر - مالکان در غرب کشور و کرمانشاه انجام داده‌اند که چون بخشی از آن مبتنی بر اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی بود و اطلاعات آن اصیل بودند از آن استفاده کردم. این اطلاعات بر دانش پیشین ما درباره تجاری شدن کشاورزی و توسعه اربابان غایب از طریق دخالت تجار در خرید زمین می‌افزاید.

ضمناً سفرهایی نیز به منطقه فیروزکوه و ۴۸ روستای آن در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ و منطقه خوانسار و گلپایگان در سال ۱۳۹۵ و شاهرود و اطراف آن در سال‌های متعددی از جمله در تابستان ۱۴۰۱ داشتم که اطلاعات جدیدی برایم فراهم کردند. اطلاعاتی نیز از نظام‌های بهره‌برداری از زمین از خوزستان به‌ویژه از بخش سوسن شهرستان ایذه و استان کردستان توسط مرحوم سروه فتاحی فراهم شده است. اطلاعاتی نیز از منطقه الشتر توسط آقای دکتر محمد حاصلی فراهم شد که در جمع‌بندی‌های نظام بهره‌برداری از زمین در گستره ایران بزرگ بسیار مفید بودند.

آن دسته از منابع ثانویه که در کار نظری و تحلیل و تفسیر در این مطالعه نقش داشتند عبارت‌اند از کتاب جان فوران (۱۹۹۳)، کتاب عباس ولی (۱۹۹۳)، پایان‌نامه لهسایی‌زاده (۱۹۸۴) و کتابی که او در سال ۱۳۷۲ (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۲) منتشر کرد. همچنین باید به کتاب عمید (۱۹۹۰)، کتاب معتضد (۱۳۶۶)، پایان‌نامه نخعی (۱۹۸۶)، ترجمه کشاورز از کتاب‌های پیگلسکایا، پتروشفسکی و همکاران<sup>۳</sup> که در سال‌های ۱۳۶۳ و ۱۳۴۴ منتشر شده‌اند، کتاب بوناین<sup>۴</sup> (۱۹۸۱)، کتاب مؤمنی (۱۳۵۹) و مقالات احمد اشرف که در سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۶۱، ۱۳۶۰، ۱۳۷۸، ۱۳۵۳ و ۱۳۴۶ منتشر شدند، اشاره کنم.

شایان ذکر است در فصل سوم که بخش قابل توجهی از آن به بحث درباره نظرات محققان مارکسیست اختصاص یافته، درباره اثر خود مارکس بحث نشده، بلکه آثار طرفدارانش (مارکسیستها) مورد توجه بوده است.

---

1. Stack  
2. Gilbar  
3. Petroshevski  
4. Bonine